

پروژه تخریب شخصیت‌های مؤثر در انتخابات

در جامعه افرادی شناخته شده وجود دارند که مردم آنان را تجربه کرده و به توانایی‌ها و صلاحیت‌های آنان در بهبود شرایط کشور باور دارند. وقتی این افراد وارد صحنه انتخابات می‌شوند، مردم با اعتماد به توانمندی‌ها و صلاحیت‌های این افراد، به کسان کمتر شناخته شده قرار گرفته در یک لیست هم رأی می‌دهند و خیالشان آسوده است که «این مجموعه» می‌تواند در بهبود شرایط آنان تأثیر قابل توجهی داشته باشد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سعدالله زارعی در یادداشتی نوشت: انتخابات و «فضای آرام» نسبت دوجانبه‌ای با یکدیگر دارند به این معنا که برگزاری انتخابات به فضای آرام نیاز دارد و فضای آرام زائیده انتخابات است. به همین جهت در جمهوری اسلامی و در بعضی دیگر از کشورها، فعالیت تبلیغاتی ۲۴ ساعت پیش از برگزاری انتخابات متوقف می‌شود تا انتخابات در فضایی کاملاً آرام شکل بگیرد. از آن طرف در منظر جهانی برگزاری آرام انتخابات نشانه آرامش جامعه و عادی بودن شرایط سیاسی یک کشور می‌باشد و اصولاً

نهاد برآمده از انتخابات و نیروهای جدیدی که وارد عرصه شده‌اند، یک انرژی و فرصت جدید برای رفع مشکلات و حرکت به جلو ارزیابی می‌گردد و این نوعی انتظار آرامش‌بخش را در جامعه پدید می‌آورد.

در این میان خط مخالفان نظام سیاسی و دشمنان این است که مانع زوجیت فضای آرام و انتخابات شوند. در طول حدود ۳۰ سال گذشته این تئوری در نهادهای امنیتی آمریکا شکل گرفت که انتخابات می‌تواند با «آشوب» هم زوجیت داشته باشد و لزوماً فرصت برای کشور برگزارکننده نباشد. بر این اساس «خط آشوب» به عنوان یک راهبرد اساسی در مقابله با دولت‌ها به کار گرفته شد و به تغییر نظام‌هایی هم منجر گردید. یعنی انتخابات که در ذات خود آرامش‌دهنده است، به برهم‌زننده تبدیل شد.

به قول شاعر؛ از قضا سرکه انگبین صفرافزود/ روغن بادام خشکی می‌نمود.

اما خط آشوب همیشه به صورت آنچه در انتخابات‌های اوکراین، گرجستان، قرقیزستان و... رخ داد بروز و ظهور پیدا نمی‌کند. مثلاً چنین روشی نمی‌تواند در ایران به پیروزی برسد، کمابینه که در سال ۱۳۸۸ امتحان شد و جواب نداد طبعاً از آنجا که آزموده را آزمودن خطاست، روش قبلی در مواجهه با ایران کنار گذاشته شده اما به آن معنا نیست که دشمن از اصل ایجاد خط آشوب منصرف گردیده و انتخابات ایران را به حال خود رها کرده است. چنین تصویری بسیار ساده‌لوحانه است و ساحت مخاطبان هم مبرا از آن می‌باشد.

خط آشوب در شرایط فعلی در دو شکل قابل تصور است: یکی آشوبناک کردن صحنه به شکلی که رأی دادن برای مخاطب بی‌فایده دیده شود و دیگری ایجاد بدبینی نسبت به جریان‌ها و یا شخصیت‌هایی که در نظر مردم کارآمده دیده می‌شوند. تلاش دشمن مبنی بر بی‌فایده نشان دادن رأی دادن، موضوع شناخته‌شده‌ای است؛ مثلاً آمریکایی‌ها در حالی که هیچ‌گاه توضیح ندادند تأثیر رأی دادن در انتخابات آمریکا بر بهبود وضعیت مردم آن کشور چیست، نزدیک به ۱۵۰ سال است انتخابات پارلمان را در زمان مقرر برگزار می‌کنند و همه آمریکایی‌ها می‌دانند که یک نماینده مجلس یا جمعی از نمایندگان مجلس یا در اکثر موارد همه اعضای مجلس نمایندگان و حتی کنگره، در مقایسه با تأثیرات دولت، تأثیر زیادی بر زندگی مردم آمریکا نمی‌گذارد، اما مقامات آمریکایی هیچ‌گاه پرسش از اینکه رأی به یک نماینده و حضور یک یا چند نماینده در پارلمان چه اثری در سرنوشت مردم آمریکا دارد، روا ندانسته‌اند و اصولاً به دلیل اینکه رسانه‌های این کشور نوعاً از سوی مجامع خاص مالی مدیریت می‌شوند، سؤالاتی از این دست اجازه طرح نمی‌یابند. اما همین شخصیت‌ها و همین رسانه‌ها طرح چنین سؤالی درباره مجلس ایران را درست می‌خوانند و این در حالی است که در سیستم حکومتی آمریکا رئیس‌جمهور می‌تواند قوانین مجلس را وتو کند، اما در ایران، رئیس‌جمهور نه تنها چنین اختیاری ندارد، بلکه اگر در اجرای مصوبه مجلس کمی تأخیر کند توسط نمایندگان مورد بازخواست قرار می‌گیرد. علاوه بر آن دایره اختیارات مجلس ایران در امور مالی، سیاست خارجی، امور فرهنگی، اجتماعی و امنیتی آن‌قدر زیاد است که بسیاری از حقوقدان‌ها معتقدند پارلمان ایران یکی از چند پارلمان قدرتمند دنیا می‌باشد.

این مجلس البته در اجرا وضعیتی متفاوت با قوه مجریه پیدا می‌کند، چرا که اصولاً با توجه به اصل تفکیک قوا، ایجاد ساختارها، بودجه‌ریزی‌ها و اجرای برنامه، مصوبات و قوانین برعهده قوه مجریه است اما مجلس در تنظیم و هدایت امور به نفع مردم نقش اساسی دارد و می‌تواند با تصویب‌ها و عدم تصویب‌ها به حرکت دولت جهت بدهد و با نظارت خود، کاستی‌ها در روند اجرای برنامه‌ها و... را جبران نماید.

حرف این است که چرا در حالی که در عمل نقش مجلس شورای اسلامی - در نظام سیاسی ایران - از نقش کنگره آمریکا - در نظام سیاسی آمریکا - پررنگ‌تر است، رأی دادن در یک جا به نفع رفع مشکلات مردم معرفی می‌شود و در جای دیگر در نقطه مقابل منافع و رفع مشکلات مردم خوانده می‌شود؟! البته دلیل آن روشن است؛ مشکلات مردم در ایران نباید حل شود و دستی از متن آنان نباید برای رفع مشکلات بلند شود. در اینجا چون انتخابات می‌تواند انرژی تازه‌ای وارد سیستم کند و راهی برای حل مشکل نشان دهد، باید تحریم شود، تا بلکه انباشت مشکلات به کلیدی در دست توطئه‌گران آمریکایی برای ضربه زدن به ایران تبدیل گردد.

یک جنبه دیگر از آشوبناک کردن صحنه، سلب اعتماد از افراد و یا نهادهایی است که مردم آنان را کارآمد دانسته و به آنان امید بسته‌اند. میدان جنگ را در نظر بگیریم، یکی از مهم‌ترین راهبردهای دشمن، فاقد توانایی و صلاحیت نشان دادن فرماندهان میدان طرف مقابل است. اگر دشمن بتواند باور

نیروهای نظامی نسبت به فرمانده خود را متزلزل کند، با هزینه بسیار کم می‌تواند صحنه را به نفع خود رقم بزند. در صحنه سیاسی هم همین‌طور است.

در جامعه افرادی شناخته شده وجود دارند که مردم آنان را تجربه کرده و به توانایی‌ها و صلاحیت‌های آنان در بهبود شرایط کشور باور دارند. وقتی این افراد وارد صحنه انتخابات می‌شوند، مردم با اعتماد به توانمندی‌ها و صلاحیت‌های این افراد، به کسان کمتر شناخته شده قرار گرفته در یک لیست هم رأی می‌دهند و خیالشان آسوده است که «این مجموعه» می‌تواند در بهبود شرایط آنان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. حالا اگر دشمن بخواهد این نقطه قوت را از کشور بگیرد، باید چه کار کند؟ غیر از اینکه افراد شاخص خدمت که به لحاظ ده‌ها سال ایفای درست مسئولیت‌های مختلف، مورد اعتماد مردم بوده‌اند را زیر فشار تبلیغاتی گرفته و بدنام نمایند راه دیگری وجود دارد؟

اگر دشمن بتواند توده‌های مردم را در خصوص چهره‌های شناخته شده به تردید بکشانند، به طریق اولی جایی برای اعتماد مردم به افراد کمتر شناخته شده و جوان باقی نمی‌ماند. بنابراین حاصل چنین وضعیتی رویگردانی مردم از یک فرد یا یک لیست نیست، رویگردانی از اصل شرکت در انتخابات است. این نتیجه قطعی و طبیعی آشوبناک کردن صحنه با انگ زدن به شخصیت‌های مؤثر است. آیا بارها تجربه نکرده‌ایم که در آستانه هر انتخابات، دایره اتهام‌پراکنی، پرونده‌سازی و افشاگری علیه چهره‌های مؤثر در انتخابات فزونی می‌گیرد و رسانه‌های مختلف خارجی و داخلی به تنور این شراره‌پراکنی‌ها تبدیل می‌شوند و به همدیگر پاس گل می‌دهند؟

اینکه مثلاً شبکه بی‌بی‌سی به همراه یک جریان سیاسی و به اضافه چند نشریه و سایت که عنوان ظاهری انقلابی‌گری و تدین را هم یدک می‌کشند، در آستانه انتخاباتی که مشارکت پرشمار مردم در آن در کانون توجه نظام قرار دارد، شروع به تولید ابهام و سؤال و پرونده‌سازی راجع به اشخاصی که خروجی دل‌سرد شدن مردم از آنها در انتخابات، کاهش مشارکت است، عادی نیست. قطعاً در اینجا بحث رقابت انتخاباتی و اختلافات سیاسی مطرح نیست. چرا که کارکرد و خروجی رقابت سیاسی در زمین نظام باید افزایش مشارکت باشد. آن رقابت سیاسی که خروجی آن کاهش مشارکت باشد، بازی در زمین نظام نیست.

در اینجا ممکن است بگوییم افرادی هستند که به دلیل فقدان بصیرت سیاسی و علایق شخصی، دچار انحراف و افراط شده و کارکردی مشارکت‌ستیز پیدا می‌کنند و حد مسئله همین است. اما وقتی این آشوبناک کردن صحنه انتخابات در آستانه برگزاری، از سوی افرادی دنبال می‌شود که چهره‌هایی شناخته شده‌اند و در صحنه‌های سیاسی مختلف حضور داشته‌اند، صورت می‌گیرد، موضوع متفاوت می‌شود. اینجا باید لزوماً نفوذی افتاده باشد.

نفوذی‌ها در نظام جمهوری اسلامی وقتی بخواهند روی صحنه و رودرروی مردم ایفای نقش کنند، لزوماً باید وجهه‌های مذهبی و انقلابی داشته باشند. وجهه مذهبی و انقلابی در اینجا از طریق برخوردهای هرچه تندتر با پدیده‌های سیاسی به‌دست می‌آید. تندهایی که بر عطش دانستن مخاطب سوار می‌شوند و با بی‌پروایی هر عنوانی را بر فردی که با تخریب او درصد اثبات خود هستند، می‌دهند و عده‌ای هم دنبال او راه می‌افتند. نفوذ در اینجا نسبت به نفوذ از نوع امنیتی آن پیچیده‌تر و قدرت تخریب آن بیشتر خواهد بود.

اگر رد نفوذی‌هایی که در آستانه انتخابات، مشغول آشوبناک کردن صحنه از طریق سلب اعتماد از افراد مؤثر اجتماعی و در نهایت «انجام مأموریت» کاهش مشارکت مردم ایران در انتخابات هستند، پی بگیریم، بدون استثنا به افرادی می‌رسیم که علی‌رغم ظاهر فریبنده، هیچ اعتقادی به گفتمان مذهبی انقلابی ندارند، دیده‌گو و در بیان نظر راجع به افراد بی‌پروا هستند، از نظر مالی به شدت آلوده‌اند و سر در ده‌ها آخور و رانت دارند، با هر فرد و جریانی که در مقابل منویات نظام - در اینجا افزایش مشارکت - قرار داشته باشد، ائتلاف می‌کنند، نسبت به روحانیت و نهادهای انقلابی اعتقادی ندارند، هر چند با تدلیس در طول سال‌ها از منابع آنها به صورت مالی یا معنوی ارتزاق کرده‌اند. این نیروهای «پروژه‌بگیر» در آستانه هر تحول بزرگ جامعه انقلابی ایران، به پروژه‌های دشمنان خارجی وصل می‌شوند و به خط تخریب می‌پیوندند.

باید از اینها برحذر بود و برحذر داشت.